



یکی مثل ما

ضمیمه نوجوان

شماره ۵۰ | ۲۷ اسفند ۱۳۹۹

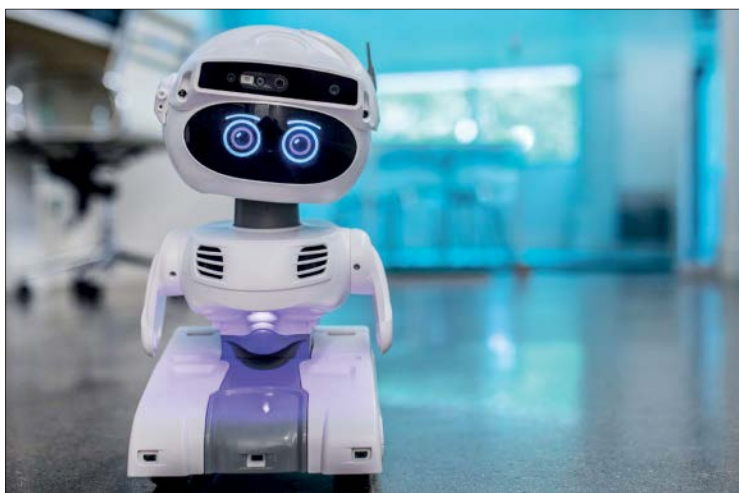
نوجوان
بازار



مینوسادات
آقای نژاد



با تشکر از
عطیه صرابی
فاطمه رحیمی



درباره موفقیت‌های یک مخترع نوجوان

جزیره آدم‌نماها!

شاید شما هم تو دوران طفولیت، آرزو داشتین که به رباتی بسازین که تمام کارتون رو انجام بده. براتون آب بیاره و به قربان گویان مشقاتون رو هم بنویسه! نمی‌دونم چندساله بودی وقتی فهمیدی که این فقط یه خیالی خام و تو باید هر روز ساعت ۷ صبح از خواب بیدار شی و بری مدرسه؟ تازه! باید اونقدر مشق هم بنویسی که انگشتات کج بشه! درسته که این آرزوها الان خیلی عجیب و دست‌نیافتنی هستن؛ اما وجود نوجوانایی مثل محمد مدینه‌ای، تا حدودی شوق این آرزو رو برای ما به وجود میاره. بریم که با مهمون این شماره از یکی مثل ما، آشنا بشیم!

« باراول

فقط پنج سالش بوده! باورتون می‌شه؟ فقط پنج سال! از همین سن متوجه می‌شه که چقدر به رباتیک علاقه داره. پس وارد فضای آموزشی پیش‌رویات می‌شه و یادگیری رو شروع می‌کنه. البته این که پدرش هم در این زمینه به سری فعالیت‌ها داشته، برای جذبش به این رشته بی‌تاثیر نبوده. بعد از یادگیری و ثبت چند اختراع، فرهنگسرای آفرینش کمکش می‌کنه تا کارهایش رو نشر بده و به قول خودش رسانه‌ای بشه. اما حالا که ۱۶ سالشه و دانش آموز رشته ریاضی فیزیکه، خیلی از انتخابش راضیه! می‌پرسی چرا؟ خب باید بقیه رو بخونی دیگه چون دل...

« کارخونه ایده‌سازی!

اگر بخوام ذهن سوژه‌مون رو به چیزی تشبیه کنم؛ می‌گم کارخونه ایده‌سازی! چون می‌تونه تو کمترین زمان بهترین چیزها رو تصویرسازی کنه. مثلاً اوایل کرونا به دستگاه ضد عفونی‌کننده موبایل می‌سازه؛ یا وقتی تو شرکت پدرش به شیلد (محافظ صورت) خراب می‌بینه، با نگاه به موتوری که توی دستش بوده این فکر به ذهنش می‌رسه که به شیلد موتوردار هوشمند طراحی کنه! و این ایده رو عملی می‌کنه و می‌شه اولین کسی که شیلد موتوردار ساخته! یک طرحی هم به سفارش مادرش داشته که کلید و پریزها رو از طریق بلوتوث خاموش و روشن کنه! (این اختراع خیلی خوبی برای تنبیل هاست) البته ناگفته نمونه که محمد کلی مدال طلا و نقره و برنز در زمینه رباتیک داره و البته دستی هم بر ورزش داره!

« عینک آینده‌بینی

پرسیدم: ه سال دیگه کجای این دنیایی؟ چه کاره‌ای؟ انگار که سال‌ها به این موضوع فکر کرده باشه، فوراً جواب داد: «احتمالاً دارم در رشته هوش مصنوعی و الکترونیک تحصیل می‌کنم و همین راه رو جلو می‌برم ولی من دوست دارم به اختراع کردن ادامه بدم و دائم مشغول تحقیق و پژوهش باشم. من به حوزه هوا و فضا هم به خاطر کلاس‌های مهارتی مدرسه علاقه دارم. هدف من اینه که به شغل خوب داشته باشم و براساس نیازهای جامعه کاری رو انجام بدم و کمک‌کننده باشم! مثل همین دستگاه ضد عفونی که ساختم.» به نظر من رسیدن به این آرزوها اصلاً دور از ذهن نیست! من دارم چهره‌ی نوجوون مصمم رو می‌بینم؛ الکی نیست که...!

« بی‌افاده و پرفایده

آقا محمد مسابقه آموزش کار با انسان‌نماها رو هم در سطح جهانی شرکت کرده و مقام دوم رو آورده! توی المپیاد ربات‌های آموزشی «استیم کاپ» هم بارها حضور داشته و انواع و اقسام مدال هم گرفته و حتی توی مسابقات آنلاین هم جوایز نقدی دریافت کرده! او با این همه کار و بار، اهل ورزش، نقاشی و هم خیلی دوست داره. تازگیها هم داره روی ساخت یه پرینتر کار می‌کنه که خیلی دوستش داره! اما اعتراف می‌کنه که توی فضای مجازی هم فعاله! البته که حتی اونجا هم داره ویدیوهایی رو درباره رباتیک می‌بینه تا خیلی بیشتر از این حرفه سر در بیاره! حالا من و تو حواسمون به افاضات ساسان و سبیل و کریمه یا اونی که داره گریه‌ها رو پیش پیش می‌کنه!



« رباتیک و ما هورباتیک!

این رشته هم مثل بقیه رشته‌هاست به جز رشته آش! یعنی از بخش‌های مختلفی تشکیل می‌شه. مثل مکانیک، الکترونیک و برنامه‌نویسی. آقا محمد از پنج تا ه سالگیش رو صرف یادگرفتن بخش مکانیک کرده، چون معتقده دست باید قوی بشه و رشد کنه! اما الان محمد داره روی برنامه‌نویسی کار می‌کنه! دمش گرم خدا وکیلی.. محمد مثل اون بچه سر به زیرها بوده که آروم می‌رفتن و می‌اومدن و سرش توی کار خودش بوده! اما بعد به مدت با کمک مربی‌های پژوهش سرا و در بستر مسابقه خوارزمی، کم‌کم می‌فهمه که دیده شدن به خصوص تو سن نوجوونی خیلی کیف می‌ده! پس تصمیم می‌گیره هدفمندتر کار کنه. البته قبل از این‌ها هم تو کلی مسابقه از طرف پیش‌رویات و.. شرکت کرده! اما آشنایی با فرهنگسرا به این فعالیت‌ها شدت داده! می‌خوای نتیجه‌اش رو بدونی؟ د برو بخش بعدی...!

« عمومی یا خصوصی؟

ما آدم‌ها اساساً خودمونو دوست داریم. پس بدمون نمیداد همه چیز به نفع خودمون باشه و خب این ذات طبیعی همه آدم‌هاست. تاثیر فعالیت‌های غیر درسی هم از نظر محمد، هم مثبت بوده هم منفی! از این جهت که روی دروس خصوصیش خیلی تاثیرات خوبی گذاشته، و از طرفی هم باعث شده به کمی افت توی دروس عمومی داشته باشه. اما محمد می‌گه که این دروس به درد من نمی‌خورن و زیاد براش مهم نیست. به نظر منم حرف درستی می‌زنه. چرا باید مغزمون رو با چیزایی که به دردمون نمی‌خورن پر کنیم؟ اگر موافقی برو سراغ بخش بعدی اما اگر مخالفی هم برو بخش بعدی... اختیار با خودت!

« انقلاب صنعتی چهارم

شاید شما هم تا حدودی به رباتیک علاقه داشته باشین. درسته که خیلی رشته جذابه اما باید به سری چیزها رو درباره این حرفه بدونین. اول باید علاقه داشته باشی و یادت باشه که این حرفه تقریباً پرخرجه؛ ولی امکانات هم تا حدودی در دسترس هست و در ضمن باید هم آموزش ببینی و خلاصه انرژی بذاری! از طرفی هم این حرفه پراز مزایاست و محمد می‌گه که ما داریم وارد انقلاب صنعتی چهارم می‌شیم که بر پایه هوش‌نویسی و رباتیکه! با وجود تمام این دغدغه‌ها، باز نباید ناامید شد و لازمه که برای هدف بجنگیم..!

« مهم‌ترین سوال ذهن!

دغدغه محمد مدینه‌ای در سطح جهانی! وقتی درباره مهم‌ترین سوال ذهنش می‌پرسیم، می‌گه که خیلی به نیازهای آدم‌ها فکر می‌کنه و در اولین نگاه به هر چیزی، دنبال ساده کردن استفاده از اون و کمک به آدم‌هاست! محمد تو ذهنش به این فکر می‌کنه که چطوری می‌تونه برای دنیا مفید باشه و پیوسته دنبال راه حله...! (اگر می‌خواهید جواب این سوال رو بشنوید بروید صفحه بعد سوال ۱)

